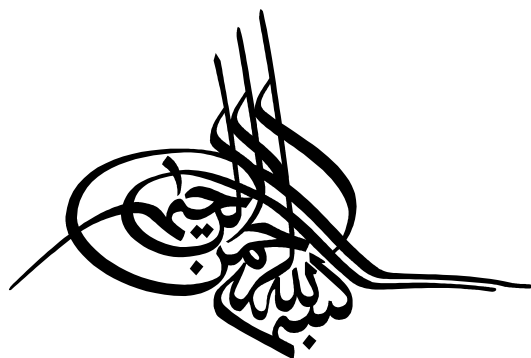




نظریه‌های جامعه‌شناسی

سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد

مجموعه علوم اجتماعی و پژوهش اجتماعی
مولفان: اصغر کاظمی – مریم امینی یخدانی

سرشناسه	: کاظمی، اصغر
عنوان	: نظریه‌های جامعه‌شناسی
مشخصات نشر	: تهران، مشاوران صعود ماهان ۹۹
مشخصات ظاهری	: ۲۹۹ ص: جدول، نمودار (آمادگی آزمون کارشناسی ارشد)
فروست	: سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۹-۱۰۷-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	: مریم امینی‌یخدانی
رده‌بندی دیویی	: ۳۷۸/۱۶۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۲۳۴۷۱



ناشر: مشاوران صعود ماهان
 مدیر مسئول: دکتر مجید سیاری
 مولفان: اصغر کاظمی - مریم امینی‌یخدانی
 مسئول پروژه: الهه بختیاری
 نام ویراستار: مریم مجاور
 طراح جلد: سمیه خانزاد
 نوبت و تاریخ چاپ: دوم / ۹۹
 شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
 قیمت: ۷۶۰ / ۰۰۰ ریال
 شابک: ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۹-۱۰۷-۴

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،
 روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰
 تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳-۴

سخن ناشر

«ن والقلم و ما یسطرون»

کلمه نزد خدا بود و خدا آن را با قلم بر ما نازل کرد.

به پاس تشکر از چنین موهبت الهی، موسسه ماهان درصدد برآمده است تا در راستای انتقال دانش و مفاهیم با کمک اساتید مجرب و مجموعه کتب آموزشی خود برای شما داوطلبان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد گام موثری بردارد. امید است تلاش‌های خدمتگزاران شما در این موسسه پایه‌گذار گام‌های بلند فردای شما باشد. مجموعه کتاب‌های کمک آموزشی ماهان به‌منظور استفاده داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سراسری و آزاد تالیف شده‌اند. در این کتاب‌ها سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از تجربه اساتید بزرگ و کتب معتبر، داوطلبان را از مطالعه کتاب‌های متعدد در هر درس بی‌نیاز کنیم.

دیگر تالیفات ماهان برای سایر دانشجویان به‌صورت ذیل می‌باشد:

• **مجموعه کتاب‌های ۸ آزمون:** شامل ۵ مرحله کنکور کارشناسی ارشد ۵ سال اخیر به همراه ۳ مرحله آزمون تالیفی ماهان همراه با پاسخ تشریحی می‌باشد که برای آشنایی با نمونه سوالات کنکور طراحی شده است. این مجموعه کتاب‌ها با توجه به تحلیل ۳ ساله اخیر کنکور و بودجه‌بندی مباحث در هریک از دروس، اطلاعات مناسبی جهت برنامه‌ریزی درسی در اختیار دانشجو قرار می‌دهد.

• **مجموعه کتاب‌های کوچک:** شامل کلیه نکات کاربردی در گرایش‌های مختلف کنکور کارشناسی ارشد می‌باشد که برای دانشجویان جهت جمع‌بندی مباحث در ۲ ماهه آخر قبل از کنکور مفید می‌باشد.

بدین‌وسیله از مجموعه اساتید، مولفان و همکاران محترم خانواده بزرگ ماهان که در تولید و به‌روزرسانی تالیفات ماهان نقش موثری داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم.

دانشجویان عزیز و اساتید محترم می‌توانند هرگونه انتقاد و پیشنهاد درخصوص تالیفات ماهان را از طریق سایت ماهان به آدرس mahan.ac.ir با ما در میان بگذارند.

موسسه آموزش عالی آزاد ماهان

سخن مؤلف

به نام آنکه جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت

خواننده محترم؛ کتابی را که در پیش‌رو دارید حاصل مطالعه کتاب‌ها و جزوه‌های اساتید معتبر دانشگاه‌های کشور می‌باشد. کتاب حاضر بارها مورد بازنگری قرار گرفته که از این تغییرات می‌توان به افزوده شدن مطالب کتاب‌های جدید منتشره، سئوالات تألیفی و... اشاره داشت. همان‌طور که با مطالعه این کتاب درخواهید یافت، اغلب مطالب این کتاب خلاصه و جمع‌بندی کتب و جزوات استفاده است، بدین‌صورت که (در اغلب فصول) در ابتدا شرح کلی هریک از موضوعات نظریه‌های جامعه‌شناسی آورده شده و در ادامه به بیان نکته‌های قابل توجه و در نهایت به سئوالات تألیفی و کنکوری پرداخته شده است.

دوستان گرامی تمامی سرفصل‌های کتاب مهم هستند و خواندن چندباره برخی از فصل‌ها مهم‌تر از برخی فصل‌های دیگر است که پیشنهاد دارم با نگاهی به سئوالات کنکوری چند سال قبل خودتان پیش‌بینی نمایید که چه موضوعاتی بیشتر از سایر موضوعات مورد توجه اساتید طراح سوال می‌باشد. از این‌رو موضوع خاصی را برای مطالعه بیشتر پیشنهاد نمی‌کنم. شایان ذکر است کتاب حاضر مبتنی بر آخرین سرفصل‌های کنکور می‌باشد که تا حد امکان تلاش شده تا حداقل دانشجویان با کتاب‌های جدید نظریه‌های جامعه‌شناسی آشنا شده و به مطالعه این کتب بپردازد. موفقیت در سایر حوزه‌های معرفتی (به‌ویژه معرفت دینی) را برایتان آرزومندم.

اصغر کاظمی و مریم امینی‌یخدانی

فصل اول: نظریه و مفاهیم مرتبط با آن	۹
انواع نظریه‌های جامعه‌شناسی	۱۱
رابطه نظریه با مفاهیم دیگر	۱۲
چگونگی توسعه نظریه	۱۸
پارادایم و جامعه‌شناسی	۱۹
طبقه‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناسی	۲۰
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل اول	۲۲
سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل اول	۲۷
فصل دوم: اندیشه بزرگان و بنیانگذاران جامعه‌شناسی	۲۹
نقش نیروهای اجتماعی در تحول نظریه جامعه‌شناسی	۳۰
نقش نیروهای فکری در پیدایش نظریه جامعه‌شناسی	۳۱
بنیانگذاران جامعه‌شناسی	۳۲
روش‌های تحقیق	۳۶
قوانین مراحل سه‌گانه اندیشه انسانی و جامعه‌ها	۳۷
تہنشت‌ها و مشتقات	۶۶
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل دوم	۶۹
سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل دوم	۷۶
فصل سوم: نظریه توافق و کارکردگرایی	۹۱
توافق و کشمکش	۹۲
نظریه کارکردگرایی ساختاری	۹۳
انواع رویکردها	۹۴
کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز	۹۵
نظام کنش	۹۶
الگوی کارکردگرایی ساختاری رابرت کی‌مرتون	۱۰۲
انتقادات وارد بر کارکردگرایی	۱۰۵
نوکارکردگرایی	۱۰۵
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل سوم	۱۰۷
سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل سوم	۱۱۰
فصل چهارم: نظریه کشمکش (تضاد)	۱۱۵
ریشه‌های شکل‌گیری نظریات کشمکش	۱۱۶
رالف دارندورف	۱۱۷
پیش‌فرض‌های کوزر	۱۲۲

۱۲۴.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل چهارم
۱۲۷.....	سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل چهارم
۱۲۹.....	فصل پنجم: نظریه ساخت‌گرایی
۱۳۰.....	ساخت‌گرایی
۱۳۱.....	ساختارگرایی
۱۳۳.....	مارکسیسم ساختاری
۱۳۷.....	اصول اساسی زبان‌شناسی ساختی
۱۳۸.....	انتقادات وارد بر ساخت‌گرایی
۱۴۱.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل پنجم
۱۴۴.....	سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل پنجم
۱۴۵.....	فصل ششم: مکاتب مارکسیستی - نئومارکسیستی و نظریه انتقادی (مکتب فرانکفورت)
۱۴۶.....	جبرگرایی اقتصادی
۱۴۶.....	مارکسیسم هگلی
۱۴۸.....	مکتب انتقادی
۱۵۴.....	مارکسیسم ساختاری
۱۵۷.....	مارکسیسم اقتصادی
۱۵۸.....	مارکسیسم تاریخی
۱۵۹.....	مارکسیسم تحلیلی
۱۶۱.....	نظریه مارکسیسم پست مدرن
۱۶۲.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل ششم
۱۶۷.....	سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل ششم
۱۷۱.....	فصل هفتم: نظریه کنش متقابل نمادین
۱۷۳.....	ریشه‌های شکل‌گیری نظریه کنش متقابل نمادین
۱۷۴.....	مبانی و اصول نظریه کنش متقابل نمادین
۱۷۶.....	آرا هربرت بلومر
۱۸۱.....	نگاهی دیگر به مفاهیم نظریه کنش متقابل نمادین
۱۸۲.....	انتقادات وارد بر نظریه کنش متقابل نمادین
۱۸۶.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل هفتم
۱۸۹.....	سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل هفتم
۱۹۵.....	فصل هشتم: نظریه تبادل
۱۹۶.....	ریشه‌های شکل‌گیری نظریه تبادل (مبادله)
۲۰۰.....	قضایای بنیادی هومنز
۲۰۳.....	نظریه تبادل تلفیقی بلاو
۲۰۶.....	تلفیق نظریه تبادل یا نظریه کنش متقابل نمادین توسط پیتر سینگلمن
۲۰۷.....	انتقادهای وارد بر نظریه تبادل
۲۱۱.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل هشتم
۲۱۳.....	سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل هشتم
۲۱۷.....	فصل نهم: پدیدارشناسی
۲۱۸.....	جامعه‌شناسی پدیدارشناسی

۲۱۹.....	اندیشه ادموند هوسرل
۲۲۲.....	اندیشه‌های آلفرد شوتس
۲۲۶.....	نمونه‌های معاصر جامعه‌شناسی پدیده‌شناختی
۲۲۸.....	انتقادهای وارد بر نظریه جامعه‌شناسی پدیدارشناسی
۲۳۲.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل نهم
۲۳۵.....	سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل نهم
۲۳۹.....	فصل دهم: روش‌شناسی مردم‌نگارانه و جامعه‌شناسان معاصر
۲۴۰.....	روش‌شناسی مردم‌نگارانه
۲۴۱.....	نمونه‌های روش‌شناسی مردم‌نگارانه
۲۴۶.....	مفاهیم بنیادی روش‌شناسی مردم‌نگارانه
۲۴۷.....	انتقادهای وارد بر روش‌شناسی مردم‌نگارانه
۲۵۲.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل دهم
۲۵۵.....	سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل دهم
۲۵۹.....	فصل یازدهم: فرانظریه
۲۶۰.....	انواع فرانظریه
۲۶۱.....	انگاره‌های عمده جامعه‌شناسی
۲۶۱.....	انگاره‌های جامعه‌شناسی تلفیقی
۲۶۴.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل یازدهم
۲۶۶.....	سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل یازدهم
۲۶۷.....	فصل دوازدهم: نظریه فمینیستی معاصر
۲۶۸.....	پرسش‌های نظری بنیادی در نظریه فمینیستی
۲۶۹.....	انواع نظریه‌های فمینیستی در دوران معاصر
۲۷۲.....	ویژگی‌های نظریه جامعه‌شناسی فمینیستی
۲۷۴.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی فصل دوازدهم
۲۷۷.....	سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری فصل دوازدهم
۲۷۹.....	فصل سیزدهم: نظریه‌های معاصر درباره نگرایی (مدرنیته) و مابعد نگرایی (پسامدرنیته)
۲۸۰.....	نظریه‌پردازان کلاسیک نگرایی
۲۸۰.....	گردونه خردکننده نگرایی (نظریه آنتونی گیدنز)
۲۸۲.....	جامعه مخاطره‌آمیز (نظریه اولریک بک)
۲۸۳.....	عقلانیت شدید، مک دونالدیزه شدن و آمریکایی شدن (نظریه جورج رتیرز)
۲۸۳.....	نگرایی و کشتار جمعی (نظریه زیگونت باومن)
۲۸۴.....	طرح ناتمام نگرایی (نظریه یورگن هابرماس)
۲۸۶.....	نظریه اجتماعی میانه روانه مابعد نوین (فردریک جیمسون)
۲۸۷.....	نظریه اجتماعی افراطی مابعد نوین (ژان بودریلار)
۲۸۸.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل سیزدهم
۲۹۱.....	سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری و پاسخنامه فصل سیزدهم
۲۹۴.....	سوالات و پاسخ تشریحی کنکور سراسری ۹۵
۲۹۹.....	منابع

فصل اول

نظریه و مفاهیم مرتبط با آن

- ◆ انواع نظریه‌های جامعه‌شناسی
- ◆ رابطه نظریه با مفاهیم دیگر
- ◆ چگونگی توسعه نظریه
- ◆ پارادایم و جامعه‌شناسی
- ◆ طبقه‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناسی

نظریه و مفاهیم مرتبط با آن

علم بدون روش و نظریه قابل طرح نمی‌باشد، از این‌رو شرط لازم برای این‌که یک مجموعه، اطلاعات علم تلقی شود، وجود یک نظریه خاص است. عده‌ای سعی دارند تا اعتبار علم را تنها به وجود روش تحقیق نسبت دهند و بود و نبود نظریه را عمده ندانند. از بدو پیدایش جامعه‌شناسی تاکنون، بود یا نبود نظریه مورد سوال و بحث بوده است. در جامعه‌شناسی آمریکا اهمیت نظریه تا دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در پایین‌ترین حد خود بوده است و تا دهه ۷۰ در جامعه‌شناسی آمریکایی تأکید کمتری بر اهمیت نظریه می‌شد. از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۴، یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در میان جامعه‌شناسان، «نظریه‌سازی» بود که در این زمینه کتب و مقالات بسیاری به نگارش درآمده است. از سوی دیگر نظریه در جامعه‌شناسی در دهه‌های اخیر در همه‌جا، خصوصاً حوزه‌های جامعه‌شناسی اروپایی و آمریکایی در مقایسه با گذشته جایگاه جدیدتری یافته است و به لحاظ تخصصی شدن علم جامعه‌شناسی، تفکیک‌پذیری میان حوزه‌های آن مقدور شده است.

گرایش به تخصصی‌تر شدن جامعه‌شناسی به حدی شدت یافته است که بعضی از جامعه‌شناسان مانند کالینز^۱، آن را تهدیدی جدی برای حیات علم جامعه‌شناسی تلقی کرده‌اند. روند اصلی تخصصی‌شدن جامعه‌شناسی در دو سو جهت گرفته است:

تخصصی‌شدن درونی علم جامعه‌شناسی (در عمق): این سمت‌گیری، عاملی در پیدایش بافت جدیدی چون جامعه‌شناسی‌های سلامت، پزشکی، زنان، بیماری، کار، ورزش و ... شده است.

تخصصی‌شدن در بیرون جامعه‌شناسی (در سطح): که به‌منزله رشد حوزه‌های جدید چون مطالعات توسعه، جرم‌شناسی، رفتارشناسی، مطالعات زنان و ... شده است. به‌طور کلی پیدایش نظریه‌ها در جامعه‌شناسی ناشی از ارتباط چندین امر به یکدیگر است:

۱- وجود شرایط فکری یا پیشینه نظری و تئوریک

۲- شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ...

۳- تمایل اندیشمند و متفکر به نظریه‌سازی

۴- ارزیابی اطلاعات و نظریه‌های معاصر

۵- گروه نظریه

عده‌ای از جامعه‌شناسان در توسعه و تولید نظریه همچنان متوجه این عناصر و عوامل بوده‌اند. به‌طور خاص، گرایش جدید نظریه‌سازی در انگلستان و کارهای آنتونی گیدنز^۲ و در آمریکا کارهای جفری آلکساندر^۳ و جورج ریتزر^۴، در این راستا قابل بررسی است.

نظریه: بنابر تعریف رسمی عبارت است از یک رشته قضایای مرتبطی که زمینه را برای تنظیم دانش و تبیین و پیش‌بینی زندگی اجتماعی و ایجاد فرضیه‌های تحقیقی نوین، فراهم می‌سازد.

1- Collines

2- Anthony Giddens

3- Geffry Allexander

4- George Ritzer

انواع نظریه‌های جامعه‌شناسی

برای طبقه‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناسی عوامل زیادی را می‌توان دخیل دانست که به‌ترتیب برای هریک از آنها نیز نظریات متعددی خواهیم داشت:

از لحاظ موضوع: نظریات ساختی کارکردی، پوزیتیویستی، تطورگرایی، انتقادگرایی، مبادله، روش‌شناسی مردمی و...

از لحاظ روش: تاریخی، اثباتی، تفسیری، دیالکتیکی

از لحاظ پیدایش: جامعه‌شناسی کلاسیک، مدرن، پست مدرن

از لحاظ مکان: جامعه‌شناسی اروپایی، آمریکایی، جهان سوم، فرانسوی، انگلیسی

از لحاظ نحوه تولید و توسعه نظریه: نظریات رسمی، نظریات غیررسمی، قیاسی، استقرایی

با وجود این، هر نظریه در جامعه‌شناسی به‌طور مستقل تنها به یک عنصر باز نمی‌گردد بلکه تبیینی از عوامل مختلف است. در این صورت می‌توان یک نظریه را توصیفی - ترکیبی، خرد دیالکتیک، عینی، تاریخی، ساختی، کلان، کارکردی، تبیینی، تبیینی - دیالکتیکی، کلان - تاریخی و ذهنی یا عینی نامید.

تام شف^۱ از لحاظ تاریخی نظریه‌ها را به چهار گروه تقسیم کرده است:

دوره اول، دوران تأسیس جامعه‌شناسی تا ۱۸۷۵، دوره دوم ربع آخر قرن نوزدهم، به‌کارگیری نظریه تکامل‌گرایی، دوره سوم از آغاز ربع اول قرن بیستم یعنی دوران مسائل و مشکلات اجتماعی تا پایان تسلط نظریه تکامل و تمایل به مطالعات تجربی مانند نظریه کنش متقابل و مبادله و دوره چهارم، دوره انتزاع دیدگاه‌های همگرایی و تمایل به تبیین واقعیت‌ها در نگاهی کلی و کلان‌موردنظر بوده است. به‌طورکلی نظریه نمی‌تواند مشاهده صرف یا قضاوت و ارزیابی شخصی و ارزشی باشد. در مقابل، نظریه باید قابل صدق و کذب باشد و قابلیت تعمیم و فراگیری داشته باشد.

نظریه باید دربردارنده قوانین باشد تا بتواند به تبیین واقعه و پیش‌بینی بپردازد. به‌نظر آبل^۲، نظریه باید از فرضیه‌های آزمایش شده اخذ شده باشد و بنابه‌نظر مولینز^۳ دربردارنده تصمیم‌های انتزاعی و تلاش برای تبیین چرایی یا چگونگی امور اجتماعی براساس اصول کلی و قابل‌قبول باشد.

تعاریف ارائه‌شده در پایان دهه ۷۰ و آغاز دهه ۸۰ قرن بیستم مطرح شده‌اند. هریک از تعاریف بر یک یا دو عنصر تأکید داشته و ماهیت نظریه براساس آن، تعریف شده است. به‌عنوان مثال، عناصری چون «عبارت‌های مجرد در تبیین» در تعریف چفتر^۴، «قوانین و پیش‌فرض‌ها» در تعریف بلالاک، «گزاره‌های منطقی» نزد گیبز^۵، «مجموعه قوانین و اصول موضوعه» نزد هیگ، «قدرت تبیین» نزد استینچمب^۶ و «بیان روابط» نزد ویلز در تعریف نظریه تأکید شده‌اند. این عناصر ویژگی‌های اساسی نظریه حکایت از حساسیت پوزیتیویستی و تجربه‌گرایی این جامعه‌شناسان دارد.

دیدگاه پوزیتیویستی، اصالت نظریه را تجربی‌بودن، آزمایش‌پذیربودن و قانون‌سازبودن می‌داند. در مقابل، دیدگاه غیرپوزیتیویستی الزامی در رد یا قبول یک نظریه براساس تجربی‌پذیر بودن نداشته و نظریه را به‌منزله مجموعه پدیده‌های مرتبط که قادر به تجزیه و تحلیل واقعیت‌های اجتماعی باشند تلقی کرده است. در این صورت، ساخت هابرماس در زمینه کنش ارتباطی، آرای براون^۷ در زمینه «کنش متقابل‌گرایی نمادین»^۸، نظریه عقلانیت ماکس وبر، فراساخت‌گرایی^۹ فوکو و مباحث دیگر جامعه‌شناسان غیرپوزیتیویست را می‌توان نظریه‌های جامعه‌شناختی در نظر گرفت.

1- Tom Sheff

2- Abel

3- Mollins

4- Chaffes

5- Gibbs

6- Arthur Stinchcombe

7- Brown

8- Symbolic Interactionism

9- Post- Structuralism

از این‌روست که گیز به‌عنوان جامعه‌شناس اثبات‌گرا، معتقد است که نظریه‌های کلان در جامعه‌شناسی جایی ندارد، زیرا این نظریه‌ها فرقی میان گزاره‌های آزمایش‌پذیر و آزمایش‌ناپذیر قائل نبوده و جامعه‌شناسی را یک برداشت انسانی - غیرآزمایشی و غیرتجربی می‌داند. مطابق ادعای جامعه‌شناس اثبات‌گرا، هدف جامعه‌شناسان غیراثبات‌گرا، متوجه مطالعات و مباحث فکری و ذهنی است تا مطالعات تجربی و قابل‌آزمون.

رابطه نظریه با مفاهیم دیگر

نظریه و الگو

درحقیقت نظریه، بدون ارجاع به الگو، به‌شکل بی‌واسطه و مستقیم، امور اجتماعی را تبیین می‌کند. درحالی‌که الگو از طریق تشابه، به شناخت واقعیت کمک می‌کند و با برجسته‌کردن عنصر تشابه، درک روشن‌تری از شباهت میان واقعیت و مدل ذهنی فراهم می‌سازد. البته باید دانست که الگوی یک شیء برحسب تعریف، عین آن نیست؛ بلکه به شیء موردنظر شباهت دارد. مثلاً مدل یک کارخانه، صورت کوچک و فرضی از کارخانه ارائه می‌دهد. در علوم اجتماعی نیز الگوهایی براساس واقعیت می‌سازند و سپس روی میزان تطبیق آن با واقعیت بحث می‌کنند. مثلاً "انسان اقتصادی" الگوی فردی است که با امور اقتصادی برخوردی منطقی دارد. برای چنین الگویی مفروضاتی درنظر گرفته می‌شود؛ اما ممکن است تمام آن مفروضات، با واقعیت تطبیق نکنند. پس در رابطه الگو و واقعیت، باید به وجه تشابه کلی آنها توجه و از جزئیات صرف‌نظر کرد.

الگو

واژه Pattern به‌معنای؛ الگو، مدل، انگاره، شکل و نمونه، قالب، طرح، منوال و نقش درنظر گرفته شده است. در تعریفی ساده از الگو می‌توان گفت؛ الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی می‌باشد.

خصوصیات الگو

کارکرد الگو عبارت است از کوشش برای ساده‌تر کردن و آسان‌تر فهماندن واقعیت از طریق تنظیم عناصر و واردکردن نظم در آنها؛ مثلاً می‌توان طرح منطقی روابطی را که بین برخی از عناصر یک سیستم وجود دارد، به‌شکل یک پیکره در آورد. به‌نظر لوی اشتراوس، الگو، باید دارای سه خصوصیت عمده باشد:

۱- ساخت مشخصات یک نظام را نمایش می‌دهد و از عناصر متعددی تشکیل یافته که تغییر در هریک از این عناصر، باعث تغییر در سایر اجزا می‌شود.

۲- برای هر الگوی مفروضی باید امکان ترتیب‌دادن سلسله تغییراتی باشد؛ که منتج به گروهی از الگوهایی از همان نوع شود. بدین‌ترتیب خصوصیات بالا امکان این پیش‌بینی را به ما می‌دهد که بدانیم هرگاه یک یا چند عنصر الگو دچار تغییرات مشخصی شوند، الگو چگونه واکنش نشان خواهد داد.

۳- الگو باید چنان ساخته شود که بلافاصله تمام پدیده‌های مشاهده‌شده را قابل فهم سازد. از سوی دیگر تعریف الگوها باید صریح و جامع باشد تا عملیات ریاضی روی آنها امکان‌پذیر شود؛ ساخت الگوها نیز به هیچ‌وجه نباید پیچیده باشد.

انواع الگو

الگوی مادی^۱؛ این الگو، نظام پیچیده‌تر را به‌صورت ساده‌تر نشان می‌دهد؛ با این‌همه باید واجد خصوصیات نظام پیچیده‌تر باشد. به‌طورکلی در جامعه‌شناسی دو نوع الگوی مادی وجود دارد:

الگوی مکانیک (غیر اندامی): مثلاً جامعه از نظر پیچیدگی، هماهنگی و ارتباط کارکردهای مختلف عناصر آن، به ساعت تشبیه شده است. مدل غیر اندامی، بعد از رنسانس نزد دانشمندان زیادی نظیر ماکیاولی، هابز، مونتسکیو، آدام اسمیت و حتی کانت به‌کار رفته است.

الگوی اندامی (ارگانیک): این الگو، که اندام زنده، مخصوصاً بدن انسان را الگو قرار می‌دهد، بیش از همه مورد استفاده واقع شده است. افلاطون، ارسطو و اسپنسر چنین مدلی را به کار گرفته‌اند.

اسپنسر از تشبیه جامعه در حد اعلا بهره جسته و مکتب اندام‌گرایی را در جامعه‌شناسی پایه‌گذاری کرده است. تقسیم جوامع، نزد دورکیم براساس همبستگی‌های ارگانیکی و مکانیکی که به‌ترتیب مبین جامعه صنعتی و ابتدایی هستند، همین معنا را تداعی می‌کند. در عصر جدید، الگوهای مادی قابل قبول دانسته نمی‌شوند؛ زیرا قیاس بین دو واقعیت که نهایتاً از هم متمایز و کاملاً متفاوتند، خطر پنهان شدن واقعیت جامعه را دربر دارد. به‌رحال تشبیه در این موارد هیچ‌گاه کامل نبوده و جنبه‌های مهمی از حقیقت شیء را مخفی می‌سازد. این خطر در الگوهای مادی حداکثر است.

الگوی‌های صوری^۱: این الگوها، ساخت نهادی و منطقی نسبتاً ساده‌ای است که به‌طور ذهنی فراهم شده، اما دارای ویژگی‌های ساختی است که در نظام واقعی اصلی وجود دارد. الگوی صوری برعکس الگوی مادی به‌کار تشبیه نمی‌آید و برای درک یک پدیده اجتماعی به مقایسه آن با پدیده‌ای از نوع دیگر متوسل نمی‌شود. درواقع الگوهای صوری عبارت است از بازسازی واقعیت در ذهن. چنین الگویی نوعی تجرید است؛ زیرا از واقعیت موجود و برخی ویژگی‌ها اخذ شده و به‌وسیله علایم و مفاهیم، نشان داده می‌شود و از این طریق تفسیر و تبیین منطقی واقعیت حاصل می‌شود. درباره یکی از انواع الگوی صوری می‌توان به الگوی ریاضی اشاره کرد، که کامل‌ترین نوع آن است و می‌توان آن‌را در شاخه‌های علمی گوناگون به‌کار برد.

کارکرد الگو

۱- استفاده از الگو به درک بهتر نظریه کمک می‌کند؛ لیکن باید وقتی از این قاعده استفاده کرد، که نظریه به‌قدر کافی گویا نباشد و الگو گویاتر از آن باشد.

۲- الگو که به‌نظر می‌رسد، رابطه بین دو واقعیت را تصویر می‌کند، ممکن است از طریق مشابهت، روابط نظری دیگری را به ما القا کند؛ مانند تطورگرایی اجتماعی که با تطورگرایی زیست‌شناسی مشابهت دارد. این نظریه، دانش ما را در مورد تکامل (که مفهومی زیست‌شناختی است)، به‌عنوان الگو برای فهم دگرگونی اجتماعی به‌کار می‌گیرد. اسپنسر معتقد بود که همه بخش‌های جهان (فیزیکی، زیست‌شناسی و اجتماعی)، برطبق اصول مشابهی تکامل می‌یابند.

۳- مدل‌ها امکان محدوده‌ای از پیش‌بینی‌ها را می‌دهد که می‌توان آن‌ها را با آزمون‌ها تأیید نمود.

الگو و مدل

برخی بین این دو تفاوت‌هایی را قائل شده و گفته‌اند که واژه Model کمی پیچیده‌تر از واژه Pattern است. واژه Pattern بیشتر به "ساخت و روابط بین عناصر یک واقعیت" توجه دارد و طرح ساده شده‌ای است که خطوط اساسی یک مجموعه اجتماعی و نسبت‌های موجود بین آنها را مشخص می‌کند.

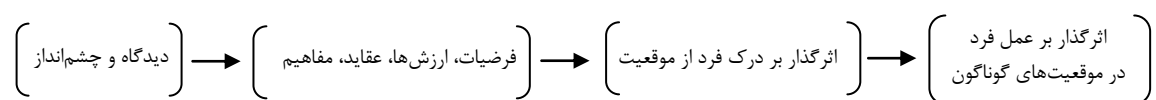
واژه Pattern برای ساده و قابل فهم کردن پدیده‌ها، به تنظیم عناصر آن پدیده و ایجاد نظم در آنها، می‌پردازد و آن را به شکل یک طرح منطقی و یک پیکره درمی‌آورد و به‌نوعی یک ابزار توصیف‌کننده است.

درنهایت جامعه‌شناس با الگوهای فکری و ساخته‌های ذهنی کار می‌کند؛ نه با حوزه (یا عین) واقعیت؛ زیرا برای مثال، نمی‌توان واقعیت اجتماعی را مانند طبقه اجتماعی، عیناً در جامعه پیدا کرد، اندازه‌گیری نمود، تعریف کرد و یا برشمرد؛ درعوض می‌توان الگوی یک طبقه اجتماعی در جامعه‌ای معین را براساس نوع عالی طبقه در مفهوم مارکس ساخت و آنگاه پدیده‌های واقعی جامعه مورد نظر را در انگاره طبقاتی مذکور داخل کرد و کوشید تا کارکرد آن شناخته شود.

نظریه و دیدگاه^۱

به نظر می‌آید قبل از دستیابی به هر نظریه‌ای، قبول دیدگاه ضروری بوده و در عمل قابل رویت است. هورتن مدعی است که دیدگاه مقدم بر نظریه است. او دیدگاه را تقریباً معادل با فرضیه و تصور کلی غیراثبات شده دانسته است. از سوی دیگر دیدگاه، دریافت کلی نسبت به پدیده خاصی است. دیدگاه، مشاهده‌گر را در مناظر گوناگون مرتبط با وقایع خارجی قرار داده و او را در جهت نگاه به آنها و بررسی‌شان متأثر می‌سازد و به لحاظ امکان درک و رویت یک وجه از واقعیات، مشاهده‌گر را محدود می‌سازد. مشاهده‌گر برای شناخت جامع، نیازمند دریافت چشم‌اندازهای متفاوت مرتبط با هم می‌باشد. معمولاً نظریه‌ها دربردارنده بیش از یک چشم‌انداز هستند تا امکان بررسی وجوه چندگانه واقعیت، امکان‌پذیر گردد. از این‌روست که می‌توان گفت نظریه دربردارنده چند دیدگاه و اعم از آن است.

در مقابل نظر فوق، چارتون^۲ معتقد است دیدگاه معادل یا شاید اعم‌تر از نظریه است. از این رو به نظر او دیدگاه‌ها مجموعه کلمات مرتبط شده‌ای خواهند بود که برای فهم واقعیت فیزیکی و خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرند. نحوه رابطه دیدگاه با چارچوب مفهومی، آگاهی و عمل فرد در نمودار زیر نشان داده شده است:



از این‌روست که چارتون مدعی شده است که دیدگاه‌ها همان عینک‌های (Eyeglasses) مشاهده‌گر جهت بهتر دیدن جهان خارج می‌باشند و به عبارت دیگر دیدگاه، با اینکه می‌تواند عمومی و کلی باشد اما برداشتی خاص، مشخص و محدود است درحالی‌که نظریه برداشتی کلی، عمومی و غیرمشخص نسبت به مسائل قابل توصیف است.

مفهوم و نظریه

چاینی، مفاهیم را عناصر تشکیل‌دهنده نظریه می‌داند. از نظر او مفاهیم به‌تنهایی یک رشته علمی را نمی‌سازند. آنها صرفاً بلوک‌هایی را برای ساختن یک علم فراهم می‌آورند. برای وضوح‌بخشی به رابطه بین مفاهیم و نظریه چندین نکته ضروری است:

- ۱- مفاهیم، عناصر اصلی نظریه‌ها می‌باشند.
 - ۲- مفاهیم، امور کلی هستند که بر موارد جزئی در خارج دلالت می‌کنند. مثلاً مفهوم طبقه، دلالت بر وجود موارد جزئی موقعیت‌های گوناگون فردی و جمعی در خارج می‌نماید.
 - ۳- ایجاد رابطه میان مفاهیم، زمینه مناسب طرح نظریه است. به‌عنوان مثال، رابطه میان مفاهیمی چون کنش متقابل، نمادها و سمبل‌ها، موقعیت‌ها، کنشگر، جامعه، نقش، فاصله اجتماعی، آگاهی و ذهن است که امکان طرح قوانین و چارچوب‌های کلی نظریه کنش متقابل را ممکن ساخته است.
- وضوح تفاوت و رابطه میان نظریه و مفاهیم، عاملی در اجتناب از تقلیل نظریه‌ها به حد مفاهیم خواهد بود و از این‌روست که نظریه را نمی‌توان معادل با مفهوم دانست، زیرا مفهوم یکی از اجزای تحقیق نظری و تجربی و درواقع اولین مرحله تحقیق است. محقق بدون انتخاب مفاهیم موردنیاز، امکان شروع تحقیق را نخواهد یافت.

نظریه، توصیف و تبیین

نظریه معادل با توصیف یا تبیین نمی‌باشد. گاهی در تعریف نظریه اصرار بر این است تا گرایش توصیفی و تبیینی در آن قید گردد. در این‌صورت گفته می‌شود که این نظریه توصیفی یا تبیینی است. توصیف و تبیین می‌توانند صفت‌های نظریه تلقی گردند ولی معادل نظریه نخواهند بود.

نظریه و قانون

براساس تعاریف ارائه شده در مورد نظریه، قوانین و قضایا عناصر اصلی تشکیل‌دهنده نظریه‌ها می‌باشند. قضایا تشکیل شده از مفاهیم و رابطه منطقی بین مفاهیم هستند. مجموعه قضایا سازنده نظریه می‌باشند از این‌رو یک قضیه نمی‌تواند نظریه تلقی گردد.

نظریه و تیپ اجتماعی

تیپ و نمونه (به تعبیر وبر) ابزاری برای تحلیل رابطه بین پدیده‌هاست. نحوه ساخته شدن و استفاده از تیپ‌های نمونه با نحوه تکوین و شیوه استفاده از نظریه متفاوت است. زیرا زمانی که به تعدادی از واقعیات که دارای ماهیتی یکسانند و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند نگریسته می‌شود، نوعی تصور مفهومی یا مدل عقلانی به دست می‌دهد و در این صورت امکان تشخیص صفات مشخصه هر نوع، به طور نظری فراهم می‌آید. تیپ‌شناسی و سنخ‌شناسی اجتماعی تعیین‌کننده حوزه عمل احکام صادر شده در درون نظریه‌هاست. بدون وجود تیپ‌ها، نظریه‌ها در سازمان درونی‌شان امکان عمل و اظهارنظر نداشته و چیزی را توضیح نخواهند داد. تیپ نمونه از نظر گروس^۱، نه تجربیات، نه مدل‌های ریاضی و نه نظریه‌ها می‌باشند، بلکه تیپ، نمونه طرح‌هایی است که تمایل دارند تا مقایسه و شباهت‌ها را به خوبی بیان و توصیف کنند.

نظریه و فلسفه اجتماعی

تفاوت نظریه با فلسفه و فلسفه اجتماعی در نحوه ارتباط با تجربه، مطالعات تجربی به سطح انتزاع و روش است و منشأ نظریه در جامعه‌شناسی بیشتر واقعیت‌های اجتماعی است در حالی که مباحث نظری در هر دو علم وجود دارد. فلسفه و نظریه هر دو در جهت توصیف و تبیین واقعیت‌ها بوده و در جهت دستیابی به تصمیم اخذ شده از مطالعه، تحقیق و تجربه می‌باشند.

نظریه و فرضیه

فرضیه را رابطه اثبات نشده (مطالعه نشده)، بین دو یا چند مفهوم که حکایت از وقایع خارجی دارد، معنا نموده‌اند و فرضیه‌ها وابسته به مفاهیم محدود درونی‌شان می‌باشند و مفاهیم اخذ شده در فرضیه‌ها به اندازه کافی کلی و کلان نیستند تا توضیح‌دهنده جامع موقعیت‌های بزرگ‌تری باشند. آنها به شرایط محدود وابسته‌اند. از طرف دیگر، فرضیه‌ها یا براساس اتکا به نظریه‌ها از واقعیت حکایت می‌کنند یا از نظریه‌ها جهت بررسی واقعیت‌ها نشأت می‌گیرند. از این‌روست که فرضیه قبل یا بعد از نظریه می‌باشد ولی جزء عنصر نظریه نیست.

نظریه و پیش‌بینی

نظریه‌ها برای پیش‌بینی ساخته نمی‌شوند، ولی این محتمل است که از نظریه‌ها به لحاظ قابلیت‌شان در بررسی واقعیت‌ها در بیان آینده امور اجتماعی استفاده گردد. گروهی از علمای علوم اجتماعی با گرایش پوزیتیویستی، پیش‌بینی را صفت نظریه دانسته‌اند و عده‌ای دیگر فایده نظریه را در پرورش قدرت پیش‌بینی افراد دانسته‌اند و به نظر می‌آید که نظریه را باید جدای از پیش‌بینی مطرح ساخت و آن را صرفاً متوجه بررسی واقعیت‌ها دانست و پیش‌بینی را در رابطه با نظریه پرداز لحاظ کرد.

نظریه و پارادایم

نظریه با پارادایم^۲ فرق دارد. پارادایم دربردارنده تصویری بنیادی از موضوع در درون علم است و به تعبیر دیگر، پارادایم در بردارنده تصویری از موضوع، روش‌های تحقیق، مثال‌واره و نظریه‌ها می‌باشد. به عنوان مثال پارادایم واقعیت اجتماعی که به کارهای دورکیم در کتب خودکشی، قواعد روش جامعه‌شناسی و تقسیم کار اجتماعی برمی‌گردد، در جهت بیان واقعه اجتماعی (تصور از موضوع)، روش تحقیق (مشاهده و مطالعات تطبیقی)، و چندین نظریه (کارکردگرایی، کارکردگرایی ساختی و بی‌هنجاری اجتماعی) است و با این تعریف از پارادایم، نظریه نمی‌تواند از پارادایم اخذ گردد ولی چند نظریه می‌تواند در یک پارادایم قرار گیرد.

1- Gross

2- Paradigm

نظریه و تحقیق

در این زمینه دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. پوزیتیویست‌ها (اثبات‌گرایان) جامعه‌شناسی را یک برداشت رسمی و آکزیوماتیک^۱ (اصول موضوعی) از واقعیت خارجی دانسته‌اند، هومنز و زتربرگ^۲ درحالی‌که در مقابل این نظریه غیراثبات‌گرایان کمترین نقشی برای مطالعات و تحقیقات تجربی قائل نشده و جامعه‌شناسی را شکل هنر کلاسیک دانسته‌اند، میلز و نیسبت^۳ دیدگاه اول متدولوژی را معادل نظریه، تلقی کرده و تفاوتی بین آنها قائل نیستند و اهمیت کمتری به مطالعات نظری می‌دهند و در مقابل، دیدگاه دوم متدولوژی را ابزار جمع‌آوری اطلاعات و ارقام دانسته و اساس را در استحکام بخشیدن به ارزش نظریه تلقی می‌نمایند و در بعضی از سطوح، مطالعات تجربی را اتلاف وقت، ارزش‌ها و نیروی انسانی می‌دانند و به لحاظ تأثیرپذیری جامعه‌شناسی از علوم تجربی از بدو پیدایش و توسعه آن، بینش اثبات‌گرایی را بر بعضی از نظریات جامعه‌شناختی مسلط فرض کرده و تمایل کمتری در قبول جایگاهی مناسب برای مطالعات نظری دارند. از این‌رو، نظریات را صرفاً ابزار تحقیق، تلقی کرده‌اند.

مرتون در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ قرن اخیر سعی کرد تا در جهت اعتدال و نوعی همگرایی و ترکیب عوامل مؤثر در تحقیق و نظریه، کوشش کند. از این‌رو تعبیر نظریه حد میانه^۴ را انتخاب کرده است.

مرتون اساس را در اهمیت ساخت‌های اجتماعی در سطح گروه، سازمان و وجود رابطه میان مطالعات تجربی و نظری دانسته است. به‌طور مشخص، مطالعات جفری آلکساندر تحت‌عنوان فرااثبات‌گرایی در جهت ترکیب مطالعات تجربی، مطالعات نظری، تغییر رفتارهای فردی با رفتارهای جمعی و ارتباط بین سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی، روانی و بیولوژیکی در یک مدل بسیار ساده و درعین‌حال پیچیده حکایت از نقد دیدگاه‌های اثبات‌گرایانه و غیراثباتی‌گرایانه و تلاش در ارائه راه جدیدی است.

نظریه و واقعیت خارجی

عده‌ای بین واقعیت و نظریه، دوگانگی قائل شده و جامعه‌شناسی را در دو جهت افراطی تجربه‌گرایی محض و نظریه‌گرایی محض محدود کرده‌اند. رابرت مرتون این سمت‌گیری را ناشی از تأکید بسیار بر تحقیقات تجربی و جزئی و از سوی دیگر تمایل به تعمیم‌گرایی و طرح قانون دانسته است.

بخش اعظم کارهای مرتون در جهت ایجاد ارتباط بین نظریه و مطالعه تجربی بوده است. از نظر او نظریه جامعه‌شناسی از شش طریق با تحقیق و مطالعات تجربی سازگاری، رابطه و پیوستگی دارد:

۱- متدولوژی

۲- موقعیت‌های عمومی جامعه‌شناسی

۳- تحلیل مفاهیم جامعه‌شناسی

۴- تفاسیر جامعه‌شناسی

۵- تعمیم‌های تجربی در جامعه‌شناسی

۶- نظریه جامعه‌شناسی

مرتون از سوی دیگر تحقیقات تجربی را دارای چهار کارکرد جهت شکل‌دهی نظریه می‌داند. کارکردهای چهارگانه تحقیق برای نظریه عبارتند از:

۱- آغاز زمینه‌های نظریه

۲- بازسازی نظریه با توجه به تحقیقات مناسب

۳- بیان اشکالات و انحرافات در نظریه‌ها

۴- وضوح و روشنی بیشتر با تکیه بر تحقیقات بیشتر

نظریه و متد^۱

متد و نظریه از طریق گوناگون با یکدیگر مرتبط می‌باشند:

- ۱- رابطه آنها به واسطه تحقیق (جهت‌دهی به تحقیق) می‌باشد.
- ۲- از طریق تعریف و استفاده از مفاهیم: نظریه و متد به واسطه تعلق بسیار به مفاهیم با یکدیگر مرتبط هستند.
- ۳- متد و نظریه به واسطه تعلق به برداشت‌های نظری ارتباط دیگری با یکدیگر دارند.
- ۴- پلات سه امکان گوناگون ارتباطی بین نظریه و متد قائل شده است:

الف: رابطه علمی غیر تجربی

ب: رابطه تاریخی

ج: رابطه عقلی در تفسیر و تبیین وقایع

- ۵- مطالعات بسیاری در جامعه‌شناسی جهت ایجاد ارتباط نظریه و متد و بیان تفاوت میان آنها صورت گرفته است. لایدر برای بیان رابطه میان نظریه و متد به طرح چهار پیش‌فرض تئوریک پرداخته است:

۱- پیش‌فرض معرفتی: از قبیل تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی

۲- پیش‌فرض جامعه‌شناختی: از قبیل اثبات‌گرایی و واقعیت‌گرایی جامعه‌شناختی

۳- پیش‌فرض‌های متدولوژیک: از قبیل تئوری تحقیق، تئوری حد میانه و تئوری زمینه‌ای

۴- پیش‌فرض‌های اجتماعی تئوریک یا مکاتب تئوریک: (از قبیل کارکردگرایی، کنش متقابل و...)

از نظر لایدر بین نظریه و متد در سطح وجودشناسی رابطه‌ای وجود ندارد و بدین ترتیب او نتیجه گرفته است که هر چند به لحاظ وجودی، هر نظریه نیازمند نوع خاصی از متد و روش است، ولی محصور و محدود کردن نظریه‌ها در به کارگیری روش‌های خاص نادرست است. در نهایت می‌توان اظهار کرد که نظریه و متد با یکدیگر به واسطه مطالعات متدولوژیک، و متاتئوریک ارتباط دارند. زیرا دیدگاه متدولوژیک در پی بیان نقش نظریه‌پردازی در جمع‌آوری و شناخت واقعیت اجتماعی است و مطالعات تئوریک نیز در فهم و بیان رابطه نظریه و متد می‌کوشد.

مدل و نظریه

مدل و نظریه با یکدیگر به اشکال گوناگون در ارتباط می‌باشند که در زیر به آنها اشاره می‌گردد:

الف) مدل برای نظریه، زمینه‌ساز پیش‌بینی می‌باشد. به نظر کوهن، مدل برای نظریه مانند اسکلت‌بندی است.

ب) مدل با طراحی ساختاری مناسب، جهت تولید نظریه حرکت می‌کند.

ج) نحوه مورد ارزیابی قرار گرفتن مدل و نظریه با یکدیگر متفاوت می‌باشند.

د) از طرف دیگر، مدل‌ها در بررسی، ارزیابی اطلاعات و پیش‌بینی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مدل‌ها در نهایت به نظریه‌ها تبدیل گردیده و ابزار مناسبی در نظریه‌سازی و توضیح و تبیین نظریه‌ها می‌باشند. مدل‌ها هم اعم و هم اخص از نظریه‌ها می‌باشند. ممکن است یک مدل همانند مدل اندام‌وارگی در طراحی چندین نظریه (از قبیل نظریه تکامل و نظریه کارکردی) مورد استفاده قرار گیرد و هم اینکه یک نظریه از چندین مدل استفاده کند. (نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم که از دو مدل مکانیکی و ارگانیکی استفاده کرده است).

نظریه و متانظریه

از متانظریه تعاریف متعددی ارائه شده است و مطالعه نظریه (ریتزر)، ارزیابی نظریه (هیگ) و استراتژی‌های جهت‌یابی شده (واگنر)، معادل‌های ارائه شده برای متانظریه می‌باشد. جرالدهیگ، معتقد است که متانظریه پس از نظریه قابل طرح بوده و در جهت ارزیابی صحت و سقم مبادی اصول و ساختار نظریه است. هیگ، متانظریه را ابزار مطالعه نظریه دانسته است. جورج ریتزر متانظریه را مطالعه عناصر ساختی نظریه می‌داند.

متانظریه و نظریه هر دو به مطالعه زمینه‌های فکری، اجتماعی و پیدایش و توسعه نظریه می‌پردازند. متانظریه به مطالعه نظریه می‌پردازد درحالی‌که نظریه بیشتر به مطالعه واقعیت‌های خارجی مرتبط با نظریه می‌پردازد. متانظریه وابسته و متأثر از جهان خارج می‌باشد. متاتئوریست به واسطه ارزیابی و مطالعه نظریه به تعمیم، تحلیل، ارزیابی و توسعه نظریه‌های جدید دست می‌یابد. اما نظریه‌پرداز با مطالعه واقعیت خارجی به نظریه دست می‌یابد. نظریه‌پرداز نیازمند متاتئوریست است، زیرا از طریق ارتباط با نظریه به ضعف و قوت‌های نظریه‌اش دست می‌یابد.

در روش‌هایی که متاتئوریست و نظریه‌پرداز در شناخت موضوع به کار می‌برند، تفاوت وجود دارد. متاتئوریست بیشتر از روش‌های اسنادی، تاریخی و مقایسه‌ای بهره می‌گیرد درحالی‌که نظریه‌پرداز بیشتر از متدها و روش‌های تحقیق در جامعه‌شناسی استفاده می‌کند. به‌طور کلی نظریه در علم جامعه‌شناسی، زمینه و عامل معناداری مفاهیم، ایده‌ها، اطلاعات و ارقام و آمار بوده و قدرت توصیف و تبیین جامعه‌شناس را افزون می‌نماید و درعین‌حال، عامل اساسی در زاینده‌گی و توسعه نظریات جدید می‌باشد.

اثبات‌گرایان به‌لحاظ اینکه وظیفه علم را توصیف و تبیین رابطه بین پدیده‌ها دانسته‌اند، هرگز به بررسی سؤال چرایی، تمایلی نداشته و صرفاً به‌چگونگی توسعه نظریات پرداخته‌اند و این گروه بررسی مبتنی بر «چرایی» را متوجه فلسفه و دیدگاه‌های غیرعلمی دانسته و بنابراین کمترین ارزشی برای پاسخ‌های ارائه شده درباره این سؤال قائل نمی‌شوند. زیرا پاسخ‌ها و ارزیابی‌های مطرح شده را غیرعلمی، ذهنی و ایدئولوژیک می‌پندارند. طرح «چرایی» در شناخت پیدایش و توسعه نظریه در جامعه‌شناسی، زمانی ضرورت دارد که محقق درک مکانیزم‌های موثر در حیات نظریه جدیدی در جامعه‌شناسی را مفید بداند. در این نوع بحث، بررسی عوامل گوناگون فکری، فردی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و غیره در یک تحلیل کلی ضرورت می‌یابد.

طرح «چگونگی» زمانی ضرورت دارد که محقق بیشتر در پی فهم مکانیزم‌های توسعه نظریه‌ای در گذشت زمان باشد.

هر نظریه اجتماعی بالاخص نظریه جامعه‌شناسی با سه عنصر رابطه دارد:

۱- واقعیت اجتماعی

۲- افکار و نظریات گذشته

۳- شخصیت نظریه‌پرداز

این سه عنصر، زمینه‌های شکل‌گیری نظریه (پاسخ به چرایی) آن را بیان می‌کنند.

چگونگی توسعه نظریه

گیبز معتقد است که توسعه نظریه مبتنی بر نظریه‌سازی رسمی، بر سه اصل عمده متکی است:

۱- نظریه‌ها بهتر است به‌طور رسمی مطرح شوند؛ و منظور او از رسمی، بیان ریاضی دادن به نظریه‌هاست.

۲- نظریه‌ها بهتر است قابل آزمایش باشند.

۳- نظریه‌ها بهتر است قدرت پیش‌بینی داشته باشند.

به‌طور کلی در دیدگاه اثبات‌گرایان، استراتژی‌های زیر جهت توسعه نظریه تحت‌عنوان «نظریه‌سازی» ارائه شده است:

الف) تحقیق جهت دستیابی به نظریه جدید

ب) آزمایش نظریه‌های موجود

ج) رابطه متقابل بین نظریه و آزمایش

مولینز یک مدل کلی برای توسعه نظریه‌های جامعه‌شناختی ارائه داده است. اساس نظریه او در توسعه نظریه، به بحث توماس کوهن در مورد انقلاب علمی برمی‌گردد. کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی اشاره می‌کند که تحول علمی در اثر انباشتگی دانش روی می‌دهد و از نظر کوهن هر حوزه علمی به‌طور یکنواخت تحول نمی‌یابد. تغییرات در چهار مرحله صورت می‌گیرد:

۱- حالت عادی و نرمال

۲- حالت بحرانی

۳- حالت انقلابی

۴- حالت جدید بعد از انقلاب

از نظر مولینز آنچه عامل عمده در افول یک گروه نظریه می‌باشد، کاهش روابط بین اعضای گروه نقادی از بیرون است.

پارادایم و جامعه‌شناسی

اولین کسی که به‌طور سیستماتیک اصطلاح پارادایم را در بررسی علمی مورد استفاده قرار داد و براساس آن به طرح یک نظریه جدید علمی پرداخت، توماس کوهن، فیزیکدان آمریکایی در دهه ۱۹۶۰ می‌باشد. اولین تعریف کوهن از پارادایم چنین است: مجموعه عقاید، ارزش‌ها و تکنیک‌هایی که افراد یک جامعه علمی به کار می‌برند. تعریف فوق از نظر منتقدان دو اشکال دارد:

۱- ذهنی بودن

۲- غیرعقلانی بودن

بدین منظور، تعریف دومی را پیشنهاد می‌کند: «راه‌حل‌های مشکلات واقعی چون مثال‌واره که می‌توانند با جایگزین نمودن قواعد اساسی، در جهت حل مشکلات باقی‌مانده دانش در حالت عادی به کار گرفته شوند» کوهن تعریف اول را فلسفی و تعریف دوم را جامعه‌شناختی می‌داند.

کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی چندین پیش‌فرض را به‌عنوان کلیدهای فهم نظریه‌اش ارائه داده است.

• اولین پیش‌فرض او رابطه میان پارادایم و علم است. او معتقد است که هر علمی دارای یک یا چند پارادایم است. از این‌رو علم بدون پارادایم امکان‌پذیر نیست.

• دومین پیش‌فرض او به نحوه و علت پیشرفت علم مربوط می‌شود. او معتقد است که علوم براساس انقلاب به پیشرفت دست می‌یابند. بنابراین در مقابل انباشتگی علمی، از انقلاب علمی یاد می‌کند.

• سومین پیش‌فرض او به دلایل و علل تفاوت علوم از یکدیگر مربوط است. کوهن معتقد است که پارادایم وسیله‌ای جهت تشخیص تفاوت علوم از یکدیگر است، بدین معنی که پارادایم، معیار اصلی جدایی یا یکسانی علوم با یکدیگر می‌باشند.

به نظر کوهن عوامل زیر موجب پیدایش مرحله ناهنجاری و سپس بحرانی و انقلاب می‌گردند:

۱- اثر انباشتگی و تراکم علمی تحول

۲- اثر روابط میان اعضای اجتماع علمی

۳- نوآوری

۴- طرح سؤالات جدید

۵- ارزش‌های مشترک

در نظر کوهن، هرچند که عوامل غیرساختی و خارجی نیز در رشد و پیدایش انقلاب علمی موثر هستند ولی عوامل ساختی، تعیین‌کنندگان اصلی انقلاب علمی می‌باشند. کتاب فردریک تحت عنوان جامعه‌شناسی، شاید اولین فعالیت علمی در بررسی رابطه پارادایم و جامعه‌شناسی می‌باشد.

مسترمن علوم را به چهار نوع گوناگون پارادایمی، غیرپارادایمی، دوپارادایمی و چندپارادایمی تقسیم نموده است.

جورج ریتزر، پارادایم را چنین تعریف می‌کند: «پارادایم یک تصور بنیادی از موضوع است که در پی تفاوت‌گذاری میان جامعه علمی از جامعه غیرعلمی بوده و نمونه‌مثال‌ها، نظریه‌ها، متدها و ابزارهایی است که علم موجود را طبقه‌بندی، تعریف و مرتبط می‌کند.»

ریتزر پارادایم را دارای عناصر «مثال‌واره»، «تصور بنیادی از موضوع» و «نظریه و ابزارها و متدها» می‌داند. بدین ترتیب وی در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا جامعه‌شناسی را دارای سه پارادایم «واقعیت اجتماعی»، «تعریف اجتماعی» و «رفتار اجتماعی» می‌داند.

طبقه‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناسی

بر سه اساس و معیار نظریه‌های جامعه‌شناسی را می‌توان طبقه‌بندی نمود:

- ۱- دامنه^۱ } نظریه کلان: بررسی ساختارها و عدم توجه چندان به کنش‌گر مانند کارکردگرایی و کارکردگرایی ساختاری
نظریه خرد: توجه به کنشگر مانند روش‌شناسی مردمی و پدیده‌شناسی
نظریه تلفیقی: توجه توأمان به سطح خرد و کلان مانند نظریات گیدنز و الگرندر

- ۲- انگاره یا پارادایم^۲ } واقعیت اجتماعی، مفروض اصلی: رفتار کنشگران اجتماعی تابع ساختارهای اجتماعی است
موضوع جامعه‌شناسی، این ساختارهای کلان می‌باشد. مانند کارکردگرایی، ساختارگرایی
تعریف اجتماعی، مفروض اصلی: کنشگران اجتماعی صاحب قدرت تفکر و بازاندیشی
هستند. بنابراین آنها صاحب اراده‌اند. پس می‌توانند واقعیت اجتماعی را خلق کنند. مانند
کنش متقابل، پدیده‌شناسی
رفتار اجتماعی، مفروض اصلی: رفتار انسان‌ها تابعی از منطق پاداش و تنبیه- سود و زیان
است. مانند مبادله

- ۳- برنامه پژوهشی } تبیینی (واقعیت اجتماعی به مثابه شیء) مانند نظریه دورکیم
تفسیری (نفوذ به درون واقعیت اجتماعی) مانند نظریه وبر
انتقادی (نقد و تغییر واقعیت اجتماعی) مانند نظریه مارکس

- نوع دیگری از تقسیم‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناسی (در چهار سطح): خرد } ۱- ذهنی
کلان } ۳- ذهنی
عینی } ۲- عینی
۴- عینی

خرد ذهنی: تفکر، نمادسازی، معنی، آگاهی، عواطف، بازاندیشی.

خرد عینی: تمایلات سودانگاران، پاداش، تنبیه، سود.

خرد ذهنی: در سطح خرد ذهنی، ریشه‌های کنش اجتماعی پدیده‌های ذهنی هستند (پدیدار شناسی، کنش متقابل نمادین، روش‌شناسی مردم نگار)

خرد عینی: در سطح خرد عینی، رفتار کنشگر براساس معادلات و محاسبات ابزاری و سودانگاران صورت می‌گیرد.

سود و زیان منشا انجام کنش‌های اجتماعی محسوب می‌شوند (مبادله: رفتارگرایی).

وجدان جمعی، هنجار اجتماعی، نظام اعتقادی، نظام انرژی، اخلاقی، فرهنگی: کلان ذهنی

ساختار طبقاتی، ساختار اقتصادی، نظام بروکراتیک، نظام سیاسی، نظام ارتباطات: کلان عینی

کلان ذهنی: دورکیم

کلان عینی: مارکس

- تقسیم‌بندی دیگر دو بینش عمده جامعه‌شناسی عبارتند از: ۱- توافق (دورکیم، پارسونز) ۲- تضاد } کلان: مارکس
خرد: زیمل

۱- توافق: جامعه زنجیره به هم پیوسته نهادها، سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی است و اساساً جامعه به‌عنوان یک کل به‌وسیله عناصر جزئی ساخته می‌شود. این عناصر جزئی، یکدیگر را برای ساختن یک کل اجتماعی یاری می‌کند.

۲- تضاد: جامعه عبارتند از نیروهای متضاد که با یکدیگر روابط متضاد و گاهی متخاصم دارند. دو جریان تضادی داریم تضاد کلان، مارکس و تضاد خرد، زیمل - ون‌دن برگ، کوزر - کالینز، هایمز.

نکات کلیدی فصل اول

- نظریه و عمل از دو مقوله منطقی جداگانه و دارای نتایج و اهمیت متفاوتی هستند.
- نظریه در حد فاصل میان صراحت و ابهام قرار دارد.
- هر زمینه علمی از لحاظ مفهومی با نظریه‌ای که از آن گرفته شده در ارتباط است. هرگاه یک فرضیه با تجربیات متعدد در موارد مختلف در موقعیت‌های متفاوت به اثبات برسد، چنین فرضیه‌ای می‌تواند به سطح یک قانون ارتقا یابد. تنها وجه تمایز میان فرضیه و قانون مربوط به تعیین رابطه منطقی و درجه وضوح و تأییدی است که در بیان این رابطه ابراز شده است. اگر این رابطه به صورت روشن و منطقی توسط نظریه بیان گردد از حالت فرض خارج شده و فرضیه علمی تلقی می‌شود و چنانچه این رابطه با تعداد بی‌شماری واقعیات و امور بدیهی تأیید شود بیشتر بر آن نام قانون می‌گذارند تا فرضیه. در صورتی که چندین قانون در شرایط مختلف مورد تأیید علمی قرار گیرند و با یکدیگر ربط منطقی و فلسفی داشته باشند از مجموع چند قانون علمی، نظریه تشکیل می‌شود.
- جامعه‌شناس با الگوهای فکری و ساخته‌های ذهنی کار می‌کند؛ نه با حوزه (یا عین) واقعیت؛ زیرا برای مثال، نمی‌توان واقعیت اجتماعی را مانند طبقه اجتماعی، عیناً در جامعه پیدا کرد، اندازه‌گیری نمود، تعریف کرد و یا برشمرد؛ در عوض می‌توان الگوی یک طبقه اجتماعی در جامعه‌ای معین را براساس نوع عالی طبقه در مفهوم مارکس ساخت و آنگاه پدیده‌های واقعی جامعه موردنظر را در انگاره طبقاتی مذکور داخل کرد و کوشید تا کارکرد آن شناخته شود.
- به عناصری از یک نظریه که به طور روشن و مشخص مطرح نشده‌اند، مفروضات زمینه‌ای گویند و این مفروضات، دورنما و زمینه‌ای را که مفروضات مسلم از آن اخذ شده‌اند، فراهم می‌آورند. درحالی‌که مفروضات مسلم، محور اصلی نظریه را می‌سازند و دلایل رد یا پذیرش نظریه‌ها را ناشی از اشتراک مفروضات زمینه‌ای در ذهن سازندگان، بررسی‌کنندگان و منتقدان آن نظریه می‌پندارند. جامعه‌شناسان به طور تحلیلی سه منبع نظریه را از یکدیگر متمایز ساخته‌اند: نظریه استنتاجی مانند نظریه مبادله، نظریه الگویی مانند کارکردگرایی و نظریه دورنگر مانند کنش متقابل نمادین.
- نظریه با برد متوسط که توسط رابرت مرتون مطرح شد، اساساً برای هدایت تحقیقات تجربی به وجود آمده و معطوف به مجموعه قضایای مرتبطی است که از قضایای واحد تجربی می‌تواند مشتق شود. بنابراین از یک سو جنبه انتزاعی - عقلانی دارد و از سوی دیگر متکی بر تحقیقات تجربی و مشاهدات و جمع‌آوری داده‌هایی است که از قضایای تجربی حاصل شده است. برای مثال طبق نظریه‌های مربوط به گروه‌های مرجع، تحرک اجتماعی بر محور بخش‌های خاصی از روابط اجتماعی متمرکز شده است و حاصل تحقیقات تجربی از این نوع می‌باشد.

سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول

- ۱- مکتب جامعه‌شناسی بیشتر بر کدام یک از پایه‌های زیر استوار است؟
 - (۱) فرضیه‌ها
 - (۲) پیش فرض‌ها (Assumptions)
 - (۳) قوانین تجربی
 - (۴) متغیرها
- ۲- کدام یک از عناصر زیر جزء بخش درونی نظریه علمی است؟
 - (۱) مفاهیم
 - (۲) فرضیه‌ها
 - (۳) قوانین تجربی
 - (۴) همه موارد
- ۳- پیش‌بینی‌های جامعه‌شناسی براساس قرار دارند.
 - (۱) تفسیرهای ذهنی
 - (۲) علت و معلول
 - (۳) احتمال
 - (۴) شعور معمولی
- ۴- پارادایم در جامعه‌شناسی از نظر کوهن و ریتزر است
 - (۱) بخشی از نظریه و مکتب
 - (۲) دربردارنده تصور از موضوع، نظریه‌ها، روش‌های تحقیق و مثال‌واره
 - (۳) دربردارنده نظریه‌ها
 - (۴) معادل با نظریه
- ۵- منظور از نظریه (تئوری) در جامعه‌شناسی چیست؟
 - (۱) طرح یک سلسله قضایای تجربی است.
 - (۲) ساخت روابط عناصری است که بین اجزا و کل آن رابطه معقول و منطقی برقرار است.
 - (۳) طرح یک سلسله مفاهیمی است که به صورت انتزاعی مطرح می‌شود.
 - (۴) فرضیه‌هایی است که می‌توان آن را قبول یا رد کرد.
- ۶- مقوله جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی عبارت است از:
 - (۱) بررسی تاریخ جامعه‌شناسی
 - (۲) تأمل تاریخی در جامعه‌شناسی
 - (۳) تأمل در خود جامعه‌شناسی
 - (۴) تحصیل جامعه‌شناسی تاریخ جامعه‌شناسی
- ۷- از نظر ریتزر کدام یک از نظریه‌ها عناصر تشکیل‌دهنده انگاره «تعریف اجتماعی» هستند؟
 - (۱) نظریه کارکردگرایی و نظریه تضاد
 - (۲) جامعه‌شناسی اثباتی و نظریه کارکردگرایی
 - (۳) جامعه‌شناسی سیستمی و روش‌شناسی مردم‌نگارانه
 - (۴) جامعه‌شناسی پدیده شناختی و روش‌شناسی مردم‌نگارانه
- ۸- منظور از «مفروضات زمینه‌ای» در نظریه‌های جامعه‌شناختی چیست؟
 - (۱) مفروضاتی که به‌طور مشخص در نظریه ظاهر نمی‌شوند، اما در هر نظریه‌ای وجود دارد.
 - (۲) مفروضات، روش‌های مسلمی هستند که بدیهی تلقی می‌شوند.
 - (۳) مفروضات فرعی و بی‌تأثیر در سرنوشت نظریه می‌باشند.
 - (۴) جامعه‌شناسان در این نوع مفروضات به بررسی‌کنندگان و منتقدین نظریه توجه دارند.
- ۹- پیدایش نظریه‌ها در جامعه‌شناسی ناشی از می‌باشد.
 - (۱) گروه نظریه
 - (۲) شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی
 - (۳) تمایل اندیشمند و متفکر به نظریه‌سازی و ارزیابی اطلاعات و نظریه‌های معاصر
 - (۴) تمام موارد

۱۰- به لحاظ روشی، چه دسته‌بندی از نظریات در حوزه جامعه‌شناسی وجود دارد؟

- (۱) نظریات ساختی کارکردی، پوزیتیویستی، تطورگرایی، انتقادگرایی، مبادله، روش‌شناسی مردمی و...
- (۲) تاریخی، اثباتی، تفسیری، دیالکتیکی
- (۳) نظریات رسمی، نظریات غیررسمی
- (۴) نظریات اروپایی و آمریکایی

۱۱- کدام یک از ویژگی‌های نظریه است؟

- (۱) نظریه باید قابل صدق و کذب باشد.
- (۲) نظریه باید قابل کذب باشد.
- (۳) نظریه باید قابلیت تعمیم و فراگیری داشته باشد.
- (۴) گزینه‌های ۱ و ۳

۱۲- در کدام دیدگاه اصالت نظریه تجربی بودن، آزمایش‌پذیر بودن و قانون‌ساز بودن در نظر گرفته می‌شود؟

- (۱) دیدگاه تفسیری
- (۲) دیدگاه دیالکتیکی
- (۳) دیدگاه پوزیتیویستی
- (۴) دیدگاه غیر پوزیتیویستی

۱۳- کدام یک از نظریه‌پردازان مکتب اندام‌گرایی را در جامعه‌شناسی پایه‌گذاری کرده است؟

- (۱) اسپنسر
- (۲) کنت
- (۳) دورکیم
- (۴) مید

۱۴- کدام یک از نسبت‌های زیر صحیح‌تر است؟

- (۱) نظریه دربردارنده چند دیدگاه و اعم از آن است.
- (۲) نظریه‌ها دربردارنده بیش از یک دیدگاه هستند تا امکان بررسی وجوه چندگانه واقعیت امکان‌پذیر گردد.
- (۳) نظریه‌ها بخشی از یک دیدگاه یا چشم‌انداز می‌باشند.
- (۴) مورد ۱ و ۲

۱۵- مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده نظریه‌ها می‌باشند.

- (۱) متغیرها
- (۲) مفاهیم
- (۳) پدیده‌های اجتماعی
- (۴) واقعیات

۱۶- کدام گزینه در مورد پارادایم صحیح‌تر است؟

- (۱) پارادایم، مجموعه‌ای از نظریه‌ها در موضوعی خاص است.
- (۲) پارادایم دربردارنده تصویری بنیادی از موضوع در درون علم است و به تعبیر دیگر، پارادایم دربردارنده تصویری از موضوع، روش‌های تحقیق، مثال‌واره و نظریه‌ها می‌باشد.
- (۳) پارادایم دربردارنده تصویری بنیادی از موضوع در هر رشته علمی است.
- (۴) پارادایم مجموعه‌ای از نظریه‌ها در مورد موضوعات مختلف علمی است.

۱۷- نظریه حد میانه «Middle Range Theory» را کدام یک از نظریه‌پردازان مطرح نموده است؟

- (۱) هومنز و زرتبرگ
- (۲) مرتون
- (۳) نظریه‌پردازان مکتب مبادله
- (۴) هربرت مید

۱۸- کدام یک از موارد ذیل، معادل مناسبی برای متانظریه می‌باشد؟

- (۱) مطالعه نظریه
- (۲) ارزیابی نظریه
- (۳) استراتژی‌های جهت‌یابی شده
- (۴) همه موارد

۱۹- متاتئوریست به لحاظ روشی در مطالعات خود از چه نوع روشی سود می‌برند؟

- (۱) متاتئوریست بیشتر از روش‌های اسنادی، تاریخی و مقایسه‌ای بهره می‌گیرد درحالی‌که نظریه‌پرداز بیشتر از متدها و روش‌های تحقیق در جامعه‌شناسی استفاده می‌کند.
- (۲) اغلب از روش‌های تفسیری بهره می‌برند.
- (۳) عموماً از روش‌های اثباتی پیروی می‌نمایند.
- (۴) متاتئوریست‌ها به‌منظور مطالعه نظریات، صرفاً از روش‌های مقایسه‌ای بهره می‌برند.

۲۰- از نظر مولینز چه عاملی موثر در افول یک گروه نظریه می‌باشد؟

- (۱) قدرت پایین نظریه در پیش‌بینی
(۲) جدایی رابطه بین نظریه و آزمایش
(۳) کاهش روابط بین اعضای گروه نقادی از بیرون
(۴) موارد ۱ و ۲

۲۱- به نظر کوهن چه عواملی موجب پیدایش مرحله ناهنجاری و سپس بحرانی و انقلاب می‌گردند؟

- (۱) اثر انباشتگی و تراکم علمی تحول
(۲) اثر روابط میان اعضای اجتماع علمی
(۳) نوآوری، طرح سوالات جدید و ارزش‌های مشترک
(۴) همه موارد

۲۲- جمله ذیل در تعریف کدام یک از اصطلاحات علمی آمده است؟

«یک تصور بنیادی از موضوع است که در پی تفاوت‌گذاری میان جامعه علمی از جامعه غیرعلمی بوده و نمونه‌مثال‌ها، نظریه‌ها،

متدها و ابزارهایی است که علم موجود را طبقه‌بندی، تعریف و مرتبط می‌کند.»

- (۱) مدل (۲) الگو (۳) پارادایم (۴) مکتب یا گروه نظریه

۲۳- نظریه‌های جامعه‌شناسی ذیل بر چه اساس و معیاری طبقه‌بندی شده است؟

الف- تبیینی (واقعیت اجتماعی به مثابه شیء) مانند نظریه دورکیم

ب- تفسیری (نفوذ به درون واقعیت اجتماعی) مانند نظریه وبر

ج- انتقادی (نقد و تغییر واقعیت اجتماعی) مانند نظریه مارکس

- (۱) انگاره یا پارادایم (۲) دامنه (۳) برنامه پژوهی (۴) تلفیقی

پاسخنامه سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول

- ۱- گزینه «۲»
- ۲- گزینه «۴»
- ☞ اجزا بخش جوهری نظریه عبارتند از: ۱- مفهوم ۲- متغیر ۳- قانون تجربی ۴- فرضیه
- ۳- گزینه «۳»
- ۴- گزینه «۲»
- ☞ دربردارنده تصور از موضوع، نظریه‌ها، روش‌های تحقیق و مثال‌واره
- ۵- گزینه «۲»
- ☞ ساخت روابط عناصری است که بین اجزا و کل آن رابطه معقول و منطقی برقرار است.
- ۶- گزینه «۳»
- ☞ تأمل در خود جامعه‌شناسی
- ۷- گزینه «۴»
- ☞ جامعه‌شناسی، پدیده‌شناختی و روش‌شناسی مردم‌نگارانه
- ۸- گزینه «۱»
- ☞ مفروضاتی که به‌طور مشخص در نظریه ظاهر نمی‌شوند، اما در هر نظریه‌ای وجود دارد.
- ۹- گزینه «۴»
- ☞ تمام موارد
- ۱۰- گزینه «۲»
- ☞ تاریخی، اثباتی، تفسیری، دیالکتیکی
- ۱۱- گزینه «۴»
- ☞ گزینه ۱ و ۳
- ۱۲- گزینه «۳»
- ☞ دیدگاه پوزیتیویستی
- ۱۳- گزینه «۱»
- ☞ اسپنسر
- ۱۴- گزینه «۴»
- ☞ مورد ۱ و ۲.
- ۱۵- گزینه «۲»
- ☞ مفاهیم
- ۱۶- گزینه «۲»
- ☞ پارادایم دربردارنده تصویری بنیادی از موضوع در درون علم است و به‌تعبیر یگر، پارادایم دربردارنده تصویری از موضوع، روش‌های تحقیق، مثال‌واره و نظریه‌ها می‌باشد.
- ۱۷- گزینه «۲»
- ☞ مرتون
- ۱۸- گزینه «۴»
- ☞ همه موارد

۱۹- گزینه «۱»

متاتئوریست بیشتر از روش‌های اسنادی، تاریخی و مقایسه‌ای بهره می‌گیرد درحالی‌که نظریه‌پرداز بیشتر از متدها و روش‌های تحقیق در جامعه‌شناسی استفاده می‌کند.

۲۰- گزینه «۳»

کاهش روابط بین اعضای گروه نقادی از بیرون

۲۱- گزینه «۴»

همه موارد

۲۲- گزینه «۳»

پارادایم

۲۳- گزینه «۳»

برنامه پژوهی

سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری فصل اول

- ۱- هم‌نگری جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه پیوسته و منطقی را که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین کرد چه می‌نامند؟
 (۱) نظریه (۲) دکترین (۳) فرضیه (۴) ایدئولوژی (سراسری ۷۶)
- ۲- کدام گزینه در میان الگوی نظری یا پارادایم‌های جامعه‌شناسی قرار نمی‌گیرد؟
 (۱) تعریف اجتماعی (۲) رفتار اجتماعی (۳) سازمان اجتماعی (۴) واقعیت اجتماعی (سراسری ۸۵)
- ۳- یک نظریه جامعه‌شناختی از چه اجزایی تشکیل شده است؟
 (۱) قوانین، اصول و تبیینات (۲) مفاهیم، قضایا و مدل‌ها (۳) مفاهیم، متغیرها و ابطال‌پذیرها (۴) متغیرها، چارچوب‌ها و انتزاعات تجربی (سراسری ۸۷)
- ۴- در هر فرضیه با چند متغیر سروکار داریم؟
 (۱) دو متغیر و بیشتر (۲) دو متغیر (۳) یک متغیر (۴) سه متغیر و بیشتر (سراسری ۸۹)
- ۵- کدام یک از موارد زیر بنیاد پارادایم‌های علوم اجتماعی را تشکیل می‌دهند؟
 (۱) فروض - فرضیه‌ها (۲) قضایا (۳) مفروضات (۴) تئوری‌ها (سراسری ۸۹)
- ۶- هدف از ارائه یک مدل نظری چیست؟
 (۱) تفسیر (۲) توصیف و تجسم (۳) تبیین (۴) پیش‌بینی (سراسری ۸۹)

پاسفنامه سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری فصل اول

- ۱- گزینه «۱»
- ۲- گزینه «۳»
 ☞ سازمان اجتماعی
- ۳- گزینه «۲»
 ☞ مفاهیم، قضایا و مدل‌ها
- ۴- گزینه «۱»
 ☞ دو متغیر و بیشتر
- ۵- گزینه «۳»
 ☞ مفروضات
- ۶- گزینه «۲»
 ☞ هدف از ارائه مدل نظری، توصیف و تجسم است.

فصل دوم

اندیشه بزرگان و بنیانگذاران جامعه‌شناسی

تحول و پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی

ابن‌خلدون

کنت

مید

اسپنسر

دورکیم

مارکس

وبر

وبلن

زیمل

پارتهو

اندیشه بزرگان و بنیانگذاران جامعه‌شناسی

نقش نیروهای اجتماعی در تحول نظریه جامعه‌شناسی

۱- **انقلاب سیاسی:** انقلابات سیاسی متعددی پس از انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) پدیدار گشتند و در طول سده نوزدهم ادامه یافتند که می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین عامل در پیدایش نظریه‌پردازی جامعه‌شناختی در نظر گرفت. آثار و نتایج منفی ناشی از انقلاب‌ها از قبیل آشوب، بی‌سامانی و بی‌نظمی و به تبع آن آرزوی بازگرداندن نظم به جامعه، توجه نخستین نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی را به خود جلب کرد. لذا قضیه نظم اجتماعی یکی از محوری‌ترین مباحث نظریه‌های جامعه‌شناسی بوده است.

۲- **انقلاب صنعتی و پیدایش سرمایه‌داری:** به دنبال انقلاب صنعتی، تحولات همبسته گوناگونی در جوامع غربی به وقوع پیوست که در شکل بخشیدن به نظریه جامعه‌شناسی موثر بود. گذر از نظام کشاورزی به نظام کاملاً صنعتی، مهاجرت مردم از مزارع و کار کشاورزی به سمت شهرها و کارهای صنعتی در کارخانه‌های نوپدید، دیوان‌سالاری‌های اقتصادی گسترده، بسط و گسترش بازار آزاد و مبادله محصولات صنعتی در آن و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، از جمله این دگرگونی‌ها بود که خود منجر به برخی واکنش‌ها و جنبش‌های اجتماعی شد.

۳- **پیدایش سوسیالیسم:** یک رشته دگرگونی که هدفش تصحیح زیاده‌روی‌های نظام صنعتی و سرمایه‌داری است را می‌توان تحت‌عنوان سوسیالیسم مطرح کرد. کارل مارکس برجسته‌ترین متفکری است که در پی براندازی نظام سرمایه‌داری و جایگزینی یک نظام سوسیالیستی بود. در مقابل وی، دورکیم و وبر هرچند مسائل نظام سرمایه‌داری را تشخیص داده بودند اما بیشتر به دنبال اصلاح این نظام بودند تا انقلاب اجتماعی موردنظر مارکس. آنها بیش از سرمایه‌داری از سوسیالیسم هراس داشتند و همین هراس، نقش بسیاری در شکل‌گیری نظریه جامعه‌شناسی ایفا کرد. نظریه جامعه‌شناسی به‌عنوان واکنشی در برابر نظریه مارکسیستی به‌طور خاص و نظریه سوسیالیستی به‌طور عام، ساخته و پرداخته شد.

۴- **شهرگرایی:** صنعتی‌شدن و گسترش شهرها زمینه بروز مسائل شهری متعددی گشت که موردتوجه و نظریه‌پردازی جامعه‌شناسانی از قبیل وبر، زیمل و نیز نخستین مکتب عمده جامعه‌شناسی آمریکایی یعنی مکتب شیکاگو قرار گرفت. مهاجرت گسترده روستائیان به محیط‌های شهری به‌منظور یافتن شغل، ازدحام جمعیت، تراکم وسایل نقلیه، انواع آلودگی‌ها و ... از جمله این مسائل شهری بودند.

۵- **دگرگونی مذهبی:** دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از انقلاب‌های سیاسی، انقلاب صنعتی و شهرگرایی اثر عمیقی بر اعتقاد مذهبی گذاشته بود. همچنین بسیاری از جامعه‌شناسان اولیه در محیط مذهبی پرورش یافته بودند و به‌گونه حرفه‌ای، درگیر مذهب بودند. از این‌رو، دین و اخلاق یکی از موضوعاتی بود که تحت نظریه‌پردازی جامعه‌شناسان اولیه (کنت، دورکیم، وبر و مارکس) قرار گرفته است.

۶- **رشد علم:** همگام با شکل‌گیری نظریه جامعه‌شناسی، علوم طبیعی (مانند فیزیک، زیست‌شناسی و شیمی) نه تنها به رشد و شکوفایی موفقیت‌آمیزی رسیده بلکه با رخنه به کل جامعه و ابعاد مختلف زندگی انسان از حیثیت والایی برخوردار بود. برخی از جامعه‌شناسان